

کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

پنگ اندازی بیشتر (ژیم جمهوری اسلامی بر مزد و حقوق کارگران

« سفره کارگران خالی تر می شود »

در روزهای پایانی اسفندماه گذشته مصوبه شورای عالی کار جمهوری اسلامی که میزان و نحوه محاسبه حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار در سال ۱۳۸۶ را تعیین می کند، به همراه آئین نامه های اجرایی آن از سوی وزارت کار و امور اجتماعی «دولت امام زمان» اعلان گردید. مصوبه اجلاس ۱۶ اسفندماه ۱۳۸۵ شورای عالی کار رژیم که با موافقت سه گروه: سرمایه داران و کارفرمایان، «کارگران» و دولت به تصویب رسید و از سوی جهمی وزیر کار و امور اجتماعی رژیم اعلان شده، حداقل دستمزد برای کارگران مشمول قانون کار را در سال ۱۳۸۶ روزانه ۶۱ هزار ریال تعیین کرده است.

بر اساس این مصوبه:

۱- از اول سال ۱۳۸۶ حداقل مزد روزانه با نرخ یکسان برای تمامی کارگران مشمول قانون کار اعم از (قرارداد دائم یا موقت) مبلغ ۶۱۰۰۰ ریال (شصت و یک هزار ریال) تعیین می شود.

۲- از اول سال ۱۳۸۶ سایر سطوح مزدی نیز به میزان روزانه ۱۰ درصد نسبت به آخرین مزد ثابت و یا مبنا (موضوع ماده ۳۶ قانون کار) سال ۱۳۸۵ افزایش می یابد. مشروط بر آن که مزد روزانه هر کارگر از مبلغ ۶۱ هزار ریال مندرج در بند یک کمتر نشود.

۳- به کارگرانی که در سال ۱۳۸۶ دارای یکسال سابقه کار شده و یا یک سال از دریافت آخرین پایه سنواتی آنان گذشته باشد، روزانه مبلغ ۱۲۵۰ ریال به عنوان پایه (سنوات) پرداخت خواهد شد.

تبصره ۱: پرداخت مبلغ مربوط به پایه سنواتی کارگران مشمول طرح های طبقه بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی با در نظر گرفتن رقم فوق الذکر برای گروه یک، با توجه به دستورالعمل و جدول اعلامی توسط اداره کل نظارت بر نظام جبران خدمت صورت می گیرد.

تبصره ۲: به کارگران فصلی به نسبت مدت کارکردشان در سال ۱۳۸۵، میزان مقرر در این بند (یا تبصره یک آن حسب مورد) تعلق خواهد گرفت.

۴- برای تأمین کالاهای موضوع بن کارگری در سال ۱۳۸۶ بابت هر کارگر (اعم از متأهل یا مجرد) ماهانه مبلغ ۱۰۰ هزار ریال توسط کارفرما باید اختصاص یابد که نحوه پرداخت این مبلغ مطابق روال سال گذشته (۱۳۸۵) خواهد بود.

مطلب حاضر تلاش دارد تا در حد امکان سیاستهای ناظر بر تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۶ را مورد بررسی قرار دهد. اما پیش از آن ذکر چند نکته خالی از اهمیت نیست.

اول: مصوبه شورای عالی کار در نحوه و تعیین میزان حداقل دستمزد برای سال ۱۳۸۶ که حتی اعتراض «خودی ها» را نیز موجب گردید و «هزاران حرف و حدیث» آنان را در پی داشت (ایسنا، ۲۶ اسفندماه ۸۵)، پرابهام و قابل تفسیر به رای است. برخی از معترضین حتی جلسات شورای عالی کار را میهمانی میوه خوری اعلام کرده و گفتند «آقایان برای مهمانی و صرف تنقلات گردهم آمده بودند» نه کار کارشناسی برای تعیین حداقل دستمزد (ایلنا، ۲۱ اسفندماه ۸۵). مصوبه و آئین نامه های اجرایی آن، به گونه ای چندپهلوی و پیچیده تنظیم گردیده تا سرمایه داران و دولت با استفاده از آن تا سرحد امکان مبلغ کمتری را به کارگران بپردازند و در مقابل، کارگران به راحتی از چند و چون تعیین حداقل دستمزد سر در نیاورند.

دوم: برخلاف سالهای گذشته آن بخش از حقوق کارگران که به عنوان «مزایای کارگری» شامل بن کارگری، حق عائله مندی و مسکن که در هنگام تعیین حداقل دستمزد معین می گردید، امسال معوق ماند و موضوع مزایای کارگران و افزایش آن به سال جدید موکول گردید. علیرغم آن که درباره آن امور اجتماعی صورت گرفته، اما هنوز رقم قطعی این افزایش مشخص نشده است» (ایسنا، ۲۵ اسفند ۸۵). در همین ارتباط بود که وزیر کار «قول داد»: «در سال آینده اقدامی برای افزایش مزایا صورت دهد». به طوری که «میزان دریافتی کارگران حداقل به ۲۰۰ هزار تومان افزایش یابد» (همان منبع). جهمی در این باره گفته بود که «برای افزایش میزان مزایای کارگری، باید هماهنگی هایی را با هیات دولت انجام دهد» (همان منبع).

سوم: وزارت کار و امور اجتماعی رژیم و جهمی وزیر کار آن در جهت اجرای سیاست های ضد کارگری رژیم برای پاک کردن صورت مساله معضل کارگران قرارداد موقت، حداقل دستمزد در سال گذشته را به شیوه دو نرخی یعنی ماهانه ۱۸۰ هزار تومان برای کارگران موقت و ۱۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد برای کارگران دائم تعیین کرد. اما به دلیل اعتراضات سرمایه داران و کارفرمایان و حتی مدیران دولتی و روی داده ها و پیامدهای این مساله و اخراج و بیکارسازی بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کارگران، در نهایت به عقب نشینی وزارت کار از مصوبه شورای عالی کار منجر گردید. حداقل دستمزد ۱۸۰ هزار تومان برای کارگران قرارداد موقت ابتدا به همان مبلغ ۱۵۰ هزار تومان تنزل یافته و در ادامه عقب نشینی وزارت کار به «توافق کارگر و کارفرما» موکول گردید. که حتی برخی همراهان دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی «توافق» فی مابین کارگر و سرمایه دار را «کشک» نامیدند و گفتند که «توافق» یعنی «فیلم». اما شخص وزیر در طی یازده ماه گذشته تا مقطع تعیین حداقل دستمزد برای سال ۱۳۸۶ مدام در رسانه ها و سخنرانی ها اعلام می کرد که ۸۰ درصد کارگران حداقل دستمزد ۱۸۰ هزار تومان را دریافت می کنند. اما در مقطع تشکیل اجلاس شورای عالی کار در روزهای پایانی سال ۱۳۸۵ برای تعیین حداقل دستمزد، در یک پشتک و واروی عجیب و فریبکارانه اعلام کرد که ۷۰ درصد کارگران حداقل دستمزد ۱۵۰ هزار تومانی دریافت می کنند. که صد البته این رقم هم واقعیت ندارد.

انتقال هر چه بیشتر بار بحران بر دوش مزد و حقوق بگیران

مصوبه شورای عالی کار در مورد تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۶ و سیاستهای ناظر بر آن به روشنی انکارناپذیری بیانگر افزایش و گسترش چنگ اندازی این رژیم و سرمایه داران بر مزد و حقوق کارگران و تعرض و تهاجم به سطح معیشت و حق حیات آنان است. این مصوبه بیانگر قصدی است که آگاهانه می کوشد هرچه بیشتر و سنگین تر بار بحران حاد و مزمن و همه جانبه ساختار اقتصادی سرمایه داری ایران و نتایج سیاستهای غلط اقتصادی و به غایت ضد کارگری و ضد مردمی دولت احمدی نژاد را بر دوش کارگران و مزد و حقوق بگیران منتقل کند. تأکید وزیر کار بر این مساله که حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۶ بر اساس «مصالح کارگران» و همچنین «با توجه به مقتضیات بنگاه های تولیدی و کارفرمایان و شرایط اقتصادی جامعه تعیین گردیده» نشانگر همین موضوع است. در شرایطی که بسیاری از نهادهای رسمی رژیم و از جمله مرکز پژوهش های مجلس میزان خط فقر را در سال ۸۳ برای یک خانوار ۵ نفره، ۴۰۰ هزار تومان در شهر تهران اعلام کرده اند و با توجه به میزان تورم اعلام شده از سوی منابع رسمی مانند بانک مرکزی میزان خط فقر در تهران از مرز ۶۰۰ هزار تومان نیز خواهد گذشت. در همین حال کارگران بسیاری در سرتاسر ایران از ۶ ماه تا ۵ سال و یا بیشتر حقوق خود را دریافت نکرده اند. عدم پرداخت حقوق کارگران و معوق گذاشتن آن به سیاست رایج سرمایه داران و کارفرمایان تبدیل شده است و همزمان، در بسیاری از شهرها و مناطق ایران کارگران حقوقی بسیار پائین تر از حداقل دستمزد تعیین شده در سال گذشته و سالهای گذشته دریافت کرده و می کنند.

در شرایطی که نرخ تورم از سوی بانک مرکزی برای سال ۱۳۸۵ برابر ۱۳/۵ درصد و در حالی که بر اساس اعلام مرکز پژوهشهای مجلس، تورم در همین سال برابر ۲۲/۴ درصد اعلام شده است و خود سرمایه داران تورم را ۵۰ درصد «تورم بیش از ۵۰ درصد است» (علی اکبر پور عیسی نماینده کارفرمایان در هیات حل اختلاف وزارت کار، ایلنا، ۲۱ اسفند ماه ۸۵) اعلام می کنند. و در حالی که مرکز پژوهش های مجلس نرخ تورم را در سال ۱۳۸۶ رقم ۲۳/۴ درصد ارزیابی می کند و دیگر منابع رسمی جمهوری اسلامی میزان تورم را در سال جاری حداقل ۴۰ درصد و حتی بالای ۴۰ درصد و تا ۵۰ درصد اعلام می کنند، به خصوص با توجه به افزایش قیمت بنزین از اول خرداد و همچنین رشد سرسام آور نقدینگی که در سال ۱۳۸۵ برابر ۴۵ درصد رشد داشته است و با توجه به سیاست های ماجراجویانه اتمی و موضوع تحریم ایران در ارتباط با پرونده اتمی و در حالیکه «بهای بیش از ۵۰ قلم از کالاهای اساسی نیاز خانوارهای کارگری بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش داشته اند» (ایلنا، ۱۴ اسفند ۱۳۸۵)، تعیین این میزان حداقل حقوق مفهومی جز انتقال هرچه بیشتر بار بحران بر گرده کارگران و مزد و حقوق بگیران ندارد. چرا که در حال حاضر تامین اجاره مسکن در جنوبی ترین نقطه حاشیه تهران حداقل ماهیانه ۱۲۰ هزار تومان است. میانگین قیمت میوه بیش از ۱۵۰ درصد در مقایسه با سال قبل افزایش داشته است. < صفحه ۸

مفهمه ۷

حیوانات بیش از ۱۰۰ درصد، گوشت و مواد گوشتی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است. مقایسه ساده میان حداقل دستمزدهای اعلام شده با قیمت بسیاری از کالاهای مصرفی مانند گوشت و مواد غذایی، پوشاک و اجاره مسکن، خدمات و هزینه‌های پزشکی و دارویی... و افزایش سرسام آور آن‌ها بیانگر صعود روزافزون قیمت‌ها و رشد افسارگسیخته نرخ تورم و فشار دم افزون و دائمی آن بر کرده کارگران و زحمتکشان است.

دیدگاه و سیاست ناظر بر تعیین حداقل دستمزدها، معنا و مفهومی جز دهن کجی به ماده ۴۱ قانون کار رژیم که حداقل دستمزد را بر اساس تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و سبد هزینه خانوار تعیین می‌کند، ندارد و این خود به معنای نفی و مسخ و بی‌اثر کردن قانون کار حتی برای آنان که در دایره شمول این قانون قرار می‌گیرند است. و از سوی دیگر به معنای انتقال هرچه بیشتر بار بحران ساختار اقتصادی و سیاستهای رژیم بر کرده کارگران خواهد بود.

روشن است که امروز بر اساس همین آمار و ارقام اعلام شده از سوی دولت به عنوان بزرگترین سرمایه‌دار کشور، حداقل دستمزد کارگران بارها پایین تر از خط فقر است. و اگر سرمایه داران و تشکل‌های آنان و دولت می‌گویند «اقتصاد کشور تحمل دستمزد بیشتر از ۱۸۳ هزار تومان را ندارد» و «افزایش حتی یک ریال بیشتر از مصوبه شورای عالی کار بر ضد مقتضیات بنگاه‌های تولیدی و کارفرمایان است و یا اینکه حداقل دستمزد با در نظر گرفتن «مصالح کارگران» تعیین شده است، علاوه بر آن که دروغ و دغل بازی است، بیانگر بحران این نظام است که سرمایه داران و دولت می‌خواهند تمام بار آن را بر دوش و کرده کارگران انتقال دهند. نگاهی گذرا به میزان حداقل دستمزد کارگران که در چهار سال گذشته تعیین شده، این دغل بازی و دروغ دولت و سرمایه داران را به خوبی روشن می‌کند.

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۲ شورای عالی کار جمهوری اسلامی تصمیم گرفت تا حداقل دستمزدها را «واقعی» کند به گونه‌ای که ظاهراً فاصله حداقل دستمزد با حداقل سطح معیشت و خط فقر ترمیم شود. یعنی حداقل دستمزد سال ۱۳۵۸ به عنوان مبنای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۳ قرار گیرد. بر این اساس شورای عالی کار رژیم برای سال ۱۳۸۳ حداقل دستمزد را ۲۰۷ هزار تومان ماهانه تعیین کرد. البته حداقل دستمزد قابل پرداخت مبلغ ۱۰۶ هزار تومان اعلام شد. علاوه بر این توافق شد تا با توجه به خلاء یک میلیون ریالی موجود میان حداقل دستمزد و سبد هزینه یک خانوار کارگری (که تعداد متوسط آن از سوی مراجع رسمی اعلام می‌شود) و تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، این مبلغ طی چهارسال، هرسال با افزودن ۲۵ هزار تومان، به مبلغ نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی ترمیم گردد.

در اسفندماه ۱۳۸۳ زمان ترمیم خلاء موجود میان دستمزد و سبد هزینه یک خانوار به ۶ سال افزایش پیدا کرد. خواجه نوری معاون وزیر کار وقت در این باره چنین گفت «در سال جاری (۸۳) به دلیل مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد تثبیت قیمت‌ها، هماهنگی به عمل آمد که این تفاوت طی ۶ سال آینده پرداخت شود» (ایلنا، ۲۶/۱۲/۱۳۸۳). اما این مصوبه به جز سال اول، بعداً اجرا نگردید.

در پایان ۱۳۸۴ طبق گزارش وزارت کار دولت نهم به مجلس شورای اسلامی با عنوان «توجیهات و دیدگاهها راجع به مصوبه حداقل دستمزد ۱۳۸۵ شورای عالی کار» آمده است، بنا بر «گزارش تهیه شده بر اساس معیارهای آماری و اصول علمی، متوسط حداقل سبد هزینه زندگی شامل اقلام مصرفی یک خانوار کارگری در سال ۱۳۸۴ در کشور بالغ بر ۲۶۱۸۱۰ تومان و حداقل مزد در سال ۱۳۸۴ مبلغ ۱۲۲۵۹۲ تومان بود که حداقل مزد مذکور تنها ۴۶/۷ درصد آن را تأمین کرده است. چنانچه سایر اقلام دریاقتی کارگران (بن، حق اولاد و حق مسکن) به حداقل دستمزد مزبور افزوده شوند، مجموع آن‌ها با حداقل مزد، تأمین کننده ۵۷ درصد حداقل معیشت بوده است». یعنی حداقل دستمزد ۴۳ درصد کمتر از میزان حداقل معیشت بوده است. چنانچه حداقل معیشت در سال ۸۴ ثابت فرض شود، حداقل دستمزد برای سال ۱۳۸۵ «بایستی معادل ۲۶۱۸۱۰ تومان تعیین می‌گردید».

مقایسه حداقل دستمزد کارگران که در سال ۱۳۵۸ معادل ۵۶۷ ریال در روز بوده و در سال ۱۳۸۴ به ۴۰۸۶۴ ریال رسیده است، نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن تورم بین سال‌های ۵۸ تا ۸۴، میزان واقعی حداقل دستمزد سال ۱۳۸۴ به رقم ۲۷۸ ریال تنزل پیدا کرده است. چنانچه این ارقام را با شاخص‌ها نمایش دهیم، شاخص حداقل دستمزد «واقعی» بر اساس گزارش

وزارت کار دولت نهم از رقم ۱۰۰ در سال ۵۸ به رقم ۶۷ در سال ۱۳۸۴ رسیده است. که به یقین آمار واقعی بسیار از این ارقام وحشتناکتر است. بر این اساس سرمایه‌داران و دولت هر سال بهای نیروی کار را چند برابر کمتر از ارزش واقعی آن خریدند. یعنی هر سال سفره کارگران خالی تر و تهاجم به حق حیات آنان افزون تر شده است. تازه این در حالی است که دولت و سیاست‌های غلط آن باعث تشدید تورم و موجب ایجاد امواج گرانی می‌گردد. تورم قیمت‌ها در واقع نوعی برداشت و چنگ اندازی غیرمستقیم از مزد و حقوق کارگران است. به واسطه تورم قیمت‌ها، هر ساله و یا هر ماهه به اندازه نرخ تورم از قدرت خرید مزد و حقوق بگیران کاسته و به کیسه سرمایه داران و تجار و دلان و خود دولت (که عرضه کننده بخش زیادی از کالاها و خدمات است) سرازیر می‌گردد. این سیاست‌های رژیم معنایی جز انتقال حداکثر بار بحران ساختار اقتصادی به زندگی کارگران و مزد و حقوق بگیران ندارد.



شورای عالی کار: ترکیب و تغییرات، مضحکه سه جانبه گرایی

ساختار و ترکیب شورای عالی کار، اعضا و نحوه انتخاب آنان از بدو استقرار جمهوری اسلامی به گونه‌ای بوده است که هیچگاه نمایندگان واقعی کارگران و تشکل‌های مستقل آنان نمی‌توانسته‌اند در این شورا حضور یابند. بنا بر ماده ۱۳۶ قانون کار، کلیه نمایندگان رسمی کارگران جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار، هیات‌های تشخیص، هیات‌های حل اختلاف، شورای عالی کار، شورای عالی تأمین اجتماعی و نظایر آن، توسط کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران انتخاب خواهند شد. در تمامی ادوار گذشته جمهوری اسلامی با انتصاب عوامل و عناصر خود، آنان را به عنوان طرف «کارگری» وانمود کرده است. در اوایل انقلاب سیاست‌های ضد کارگری رژیم و تعرض و تهاجم به کارگران با سرکوب و کشتار فعالین کارگری و یورش به تشکل‌های مستقل آنان و انحلال و تلاشی آن تشکل‌ها انجام گرفت. از سالهای ۶۰ تا دوران رفسنجانی و «سازندگی»، خاتمی و «اصلاحات»، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و تشکل‌های دست ساز رژیم در تمام این دوران خود را نمایندگان «کارگری» قلمداد می‌کردند. نقش و کارکرد خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به عنوان تشکل‌های سیاه و ضد کارگری در سالهای گذشته، از یک سو تلاش برای به بیراهه کشاندن و هرز بردن مبارزات و اعتراضات کارگران و جلوگیری از برپایی تشکل‌های مستقل کارگری بوده و از سوی دیگر خود را تنها مدافع کارگران قلمداد کردن با استفاده از رانت قدرت بوده است. این نهادها مستقیم و غیرمستقیم مجری سیاستهای ضد کارگری نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند.

برآمد و گسترش مبارزه کارگران، رسوا و منزوی شدن خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، و همچنین گسترش مناسبات با سازمان جهانی کار موجب گردید تا عناصر تشکل‌های دست ساز وزارت کار دوران اصلاحات به همراه عناصر خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، مشترکاً نقش نمایندگان طرف «کارگری» را به عهده داشته باشند. اما با روی کار آمدن دولت «نظامی - امنیتی» احمدی نژاد و وزارت کار جهرمی فرصت مناسب برای محدود کردن، حذف و کنار گذاشتن این تشکل‌ها که امروز دیگر به کار فریب و تحمیق کارگران نمی‌آیند و جایگزین کردن آنان با تشکل‌های دست ساز وزارت کار دولت نهم فراهم گردید. از همین رو بود که در سال گذشته نمایندگان طرف «کارگری» از میان تشکل‌های «جوامع اسلامی کار»،

اشک تمساح سرمایه داران و تشکل های آنان

در حالی که دولت به عنوان بزرگترین سرمایه دار و کارفرمای کشور در تمامی عرصه ها طبقه کارگر را که پراکنده و غیرمتشکل است، مورد تعرض و تهاجم قرار داده است، سرمایه داران هم در جناح های مختلف با اختلافات و تمایزات و راهبردهای متفاوت در غارت و تعرض به طبقه کارگر فرصت را مغتنم شمرده و بر دامنه و شدت این تعرض و تهاجم هرچه بیشترافزوده و می افزایند. مصوبه تعیین حداقل دستمزد کارگران در ۱۳۸۶، آش آنچنان شوری شده است که سرمایه داران و تشکل های آنان با دغل بازی و فریب، اشک تمساح می ریزند و برخی از آنان ناچار می شوند برای کارگران «دلسوزی» کنند.

علی اکبر پور عیسی نماینده کارفرمایان (سرمایه داران) در وزارت کار می گوید: «هنگام بررسی پرونده ها دلم برای کارگران می سوزد. درحالی که آنان باید تورم واقعی آزار دهنده بیش از ۵۰ درصد را تحمل کنند، بنگاه های اقتصادی قادر به پرداخت دستمزدهای بالاتر از ۱۸۳ هزارتومان نیستند» (ایلنا، ۱۱ اسفند ۸۵). عباس وطن پور عضو هیات مدیره سابق کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان می گوید: «در حالی که شکاف اقتصادی میان دو گروه اول و آخر طبقات جامعه ۱۷ برابر است، درآمد کارگر کمتر از نصف حداقل هزینه یک خانوار افزایش می یابد» (همان منبع). هادی غنیمی فرد رئیس هیات مدیره خانه های صنعت و معدن ایران می گوید: «مصوبه ۱۸۳ هزارتومان حداقل دستمزد شورای عالی کار در حالی صادر شده است که هزینه مواد غذایی یک خانواده ۴ نفره با احتساب روزانه ۱۰ هزارتومان، بالغ بر ۳۰۰ هزارتومان در ماه می شود. اما اگر منصفانه هزینه ماهیانه یک خانواده ۴ نفره را محاسبه کنیم می توان نتیجه گرفت که دستمزدهای سال ۱۳۸۶ تا اندازه های واقعی است» (ایلنا، ۱۹ اسفند ۱۳۸۵). محمد عطاردیان رئیس هیات مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان ایران گفت: «مصوبه دستمزد شورای عالی کار تعیین کننده حداقل های قانونی است. هرچند برای کارفرمایان برخی حرف و صنایع، اجرای همین مصوبه هم ناممکن است. اما اگر کارفرمایی می تواند بیش از این به کارگر خود پرداخت کند و رضایت او را جلب کند، راه گفتگوهای دو جانبه و توافق دسته جمعی باز است» (همان منبع). محمد موسوی مسئول اتحادیه تعاونی های گوشتی و فرآورده های گوشتی می گوید: «وقت آن رسیده که دولت برای تأمین هزینه زندگی به کمک کارگران بشتابد. اما در صورت افزایش حتی یک ریال بیشتر از مصوبه شورای عالی کار باعث می گردد که قیمت محصولات تولیدی بیشتر شود و در نتیجه موجب تمایل بیشتر همین کارگران به خرید تولیدات ارزان قیمت خارجی می شود» (ایلنا، ۲۰ اسفندماه ۱۳۸۵).

نظرات رئیس اتاق بازرگانی بیانگر گستره و عمق سیاست های ضدکارگری دولت و سرمایه داران است. علینقی خاموشی نیز که خود را از منتقدان ترکیب شورای عالی کار می داند، می گوید در سال های گذشته حداقل دستمزد را شورای عالی کار با ترکیبی از نماینده خانه کارگر، کارفرمایان و دولت تعیین می کردند. اما امروزه حرف اول و آخر در تعیین حداقل دستمزد را دولت می زند. وی که ادعای دولتی بودن اتاق بازرگانی را رد می کند، قانون کار سابق را پیشرفته تر از قانون کار فعلی می داند و می افزاید که «نباید رئیس شورای عالی کار قرار است دستمزدها را تعیین کند وزیر کار باشد». خاموشی با انتقاد از سبب هزینه خانوار به عنوان مبنایی برای تعیین دستمزدها می گوید: «در قانون کار، برای تعیین دستمزد نیروی کار به دو مقوله تورم و سبب هزینه خانوار اشاره شده، اما این سبب هزینه، برای یک خانوار ۵ نفره است. چرا در حالی که یک کارگر برای کارفرما کار می کند باید دستمزد تأمین هزینه خانواده ۵ نفری اش را دریافت کند. وی خواهان این است که «دستمزدها باید ساعتی محاسبه و پرداخت شود». البته وی معتقد است که «برای جبران مافات و ناتوانی ایجاد اشتغال، از پول نفت به بیکاران بدهید». و علاوه بر این می گوید «بابت تأمین اجتماعی کارگران ۲۰ درصد سهم حق بیمه از کارفرما دریافت می شود. در حالی که تأمین اجتماعی از وظایف دولت است. دولت هزینه های تأمین اجتماعی را بپردازد» (ایلنا، ۱۵ اسفند ۱۳۸۵). خاموشی مدعی است که ارائه طرح «تعریف روابط کار میان کارگر و کارفرما در قالب قرارداد موقت» در مجلس چهارم از سوی وی انجام گرفت و همچنین «با توجه به اینکه ۹۸ درصد از ۴۵۰ هزارکارگاه کشور، کارگاه های کمتر از ۵ نفر است، طرح خروج کارگاه های زیر ۵ نفر از شمول قانون کار را ارائه کرده است، که با ارائه این طرح ها از همان سال ها تا سال ۱۳۸۴ واحدهای کشور آرام شد و تنش ها از بین رفت. اما طی دو سال گذشته این آرامش کمرنگ شده است».

بسیج و باندهای وابسته به دولت احمدی نژاد و شرکای نظامی - امنیتی اش انتصاب شدند تا وظایف خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را با محدود، حذف و کم رنگ کردن این تشکل ها، به تشکل های مورد نظر وزارت کار سپرده شود. به خصوص این که، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در انتخابات ریاست جمهوری گذشته کارگزار رقیب دولت فعلی بودند. منازعه و کشمکش که از بدو ریاست جمهوری احمدی نژاد و وزارت جهرفرمی میان خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار از یک طرف با وزارت کار از طرف دیگر جریان دارد، منجر به انشعاب در خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار گردید. وزارت کار انتخابات کانون عالی شوراهای اسلامی کار را که در ۲۵ آبان ماه سال ۱۳۸۴ در اصفهان برگزار شده نه تنها به رسمیت نشناخت بلکه آن را باطل اعلام کرد و حتی به رای دیوان عدالت اداری رژیم درباره این تشکل ها گردن ننهاد.

علاوه بر این وزارت کار تشکل های «کارگری» دست ساز خود را موازی با کانون عالی شوراهای اسلامی کار برپا کرد. حتی تغییراتی که کانون های شوراهای اسلامی کار استان ها در اساسنامه خود بر مبنای اساسنامه تیپ وزارت کار فراهم کردند و این کانون ها را با تمایلات وزارت کار منطبق ساختند، وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی را راضی نکرد. وزارت کار دولت نهم همچنان بر انحلال کانون عالی شوراهای اسلامی کار اصرار ورزید. از این رو برای هرچه بیشتر محدود و بی اثر کردن تشکل های رقیب، با انتشار بیانیه ای به نام «هیات مؤسس کانون عالی شوراهای انتخاباتی را در ۱۲ بهمن ماه گذشته در «مرکز همایش صدا و سیما» سرهم بندی کند و نهایتاً تشکل دولتی دیگری به نام «کانون عالی شوراهای راه اندازد. با این همه تعدادی از اعضای کانون سابق توانستند به کانون جدید راه یابند. وزارت کار و امور اجتماعی انتخاباتی را که خود برپا کرده و خود اجرا کرده بود مخدوش و آراء مجدداً بازشماری گردید. در نتیجه، رای بعضی افراد تغییر کرد، برخی از انتخاب شدگان به اعضا علی البدل تغییر کردند و برخی از اعضا علی البدل به اعضا اصلی تبدیل شدند.

از میان این جمع طرف «کارگری» در شورای عالی کار انتصاب شدند تا در تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال ۸۶ سیاست های دیکته شده وزارت کار و امور اجتماعی و شخص وزیر را اجرا و وظایف خود را به انجام رسانند. وزارت کار همین سیاست را در قبال تشکل های سرمایه داران و کارفرمایان بکار گرفت. در اسفندماه سال ۱۳۸۴ پس از تعیین حداقل دستمزد ۲ نرخی برای کارگران از سوی وزارت کار و امور اجتماعی، اختلافات میان اتاق بازرگانی، کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان و دیگر تشکل های سرمایه داران و وزارت کار بالا گرفت. از جمله، کانون عالی انجمن های صنفی که ریاست هیات مدیره آن را محمد عطاردیان به عهده داشت از تصمیمات وزارت کار در مورد تعیین حداقل دستمزد برای سال ۸۵ در تضییع حقوق کارگران حمایت همه جانبه کرد. اما در سال ۱۳۸۵، این اختلافات اوج تازه ای گرفت. وزارت کار انتخابات مجمع ۱۰ آبان این کانون و مصوبه های آن را به رسمیت نشناخت و انحلال این تشکل سرمایه داری را اعلام کرد. در ادامه کانون عالی دیگری به نام «کانون عالی کارفرمایان» موازی با کانون قدیم راه اندازی گردید. کانون عالی انجمن های صنفی (قدیم) به دیوان عدالت اداری رژیم شکایت کرده و خواستار رای این دیوان شد. دیوان عدالت اداری مجمع ۱۰ آبان کانون کارفرمایان (قدیم) و مصوبات آن را قانونی اعلام کرد. اما روابط عمومی وزارت کار اعلام کرد تا زمان صدور رای تجدید نظر از سوی دیوان عدالت اداری، رای دادگاه بدوی اجرایی نیست. مشاور وزیر کار گفت «بر اساس قانون، فعالیت کانون انجمن صنفی کارفرمایان جدید ارجحیت دارد» (ایلنا، سوم بهمن ۸۵). در حالی که بنا بر تشخیص دیوان عدالت اداری، هیات مدیره فعلی کانون قدیم نماینده قانونی سرمایه داران بخش خصوصی در مجامع و شوراهای سه جانبه داخلی و خارجی است، وزارت کار «کانون عالی کارفرمایان» را نماینده سرمایه داران دانسته و از شرکت اعضا کانون سابق در شورای عالی کار جلوگیری کرد. از این رو بود که محمد عطاردیان با شکایت وزارت کار به دادرسی عمومی انقلاب احضار شد.

عطاردیان ضمن انتقاد از وزارت کار برای جلوگیری از شرکت نمایندگان هیات مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان ایران (قدیم) در اجلاس شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد سال ۸۶، ضمن پذیرش میزان حداقل دستمزد برای کارگران آن را دارای ایراد قانونی و حقوقی دانست. وی گفت حتی اگر حداقل دستمزد کارشناسانه معین شده باشد، دارای این ایراد است که همگی نمایندگان شورای عالی کار، نمایندگان وزیر کار در این شورا بوده اند و از سوی وی انتصاب شده اند.

سی و دومین سالگرد جنایت بزرگ رژیم شاه در تپه‌های اوین

مصاحبه محمد محمدی گرگانی با روزنامه «شرق»
(۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵):

«- آقای دکتر محمدی سال ۵۴ در ایران حوادثی پیش آمد که به نظر عده‌ای به شدت بر کل تاریخ سیاسی فرهنگی ایران اثر گذاشت، شما در آن سال‌ها زندان بودید، ابتدا می‌خواستیم شرایط و موقعیت آن روز را به صورت خاطره همراه با تحلیل ترسیم کنید.

- با تشکر، اجازه می‌خواهم که دو حادثه مهم سال ۱۳۵۴ را توضیح دهم تا زمینه و بستر تاریخی مسئله روشن شود. حادثه اول: در سال ۵۴ ما در زندان قصر بودیم، سه بند ۴ و ۵ و ۶ به صورت صلیب یا T انگلیسی بود. کادرهای اصلی چریکهای فدائی و سازمان مجاهدین در بند ۶ بودند. از سازمان مجاهدین: رجوی، خیابانی، ذوالنوار، سعادت، علی زرکش، مهدی افتخاری و ... و از چریکهای فدائی: بیژن جزینی، چوپانزاده، حسن ظریف، عزیز سرمدی و ... از حزب مؤتلفه اسلامی: آیت‌الله انواری و مهدی عراقی، از حزب توده: آقای خاوری، از حزب ملل اسلامی: آقای سرحدی زاده، حاجی کرمانی و کاظم بجنوردی، از گروه فلسطین: آقای شکرالله پاکنژاد و سایر افراد و گروهها. < صفحه ۱۳

۳۰ فروردین مصادف است با سالگرد قتل ۹ تن از زندانیان سیاسی به وسیله رژیم شاه. در فروردین ۱۳۵۴، عوامل ساواک آن رژیم، نه نفر از سرشناس‌ترین و مقاوم‌ترین زندانیان سیاسی، فدائیان خلق: بیژن جزینی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، محمد چوپانزاده، سعید (مشعوف) کلانتری، عزیز سرمدی و احمد جلیل افشار، و مجاهدین خلق: مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالنوار، از زندانهای مختلف جمع‌آوری کرده و در تپه‌های اوین گلوله باران کردند.

با گرامیداشت یاد آن جانباختگان، به منظور ارائه شهادی از وقوع این جنایت بزرگ رژیم پهلوی، و گزارشی از شرایط مبارزات و زندان‌های آن دوره، بخشی از مصاحبه محمد محمدی گرگانی با روزنامه «شرق» (مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵)، که به همین موضوع می‌پردازد، عیناً در پائین نقل می‌شود. محمدی گرگانی در آن سالها در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق در زندان بود و پس از انشعاب ایدئولوژیک در این سازمان در سال ۱۳۵۴، از آن تدریجاً کناره گرفت و به جریان مذهبی و سیاسی زیر نفوذ روحانیون نزدیک شد. وی بعد از انقلاب، در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس انتخاب شد و در حال حاضر به تدریس اشتغال دارد.

«سفره کارگران خالی‌تر می‌شود»

صفحه ۹ <

به نظر نمی‌رسد که سخنان این نمایندگان سرمایه‌داران نیاز به تعبیر و تحلیل داشته باشد. این سخنان و اهداف آنها از یکسو بیانگر تعرض سرمایه‌داران در تپه‌های اوین به دولت به طبقه کارگر در پرداخت هرچه کمتر ارزش نیروی کار، عدم پرداخت و معوق نگاهداشتن حقوق کارگران، لغو و محدود کردن هرچه بیشتر دامنه شمول قانون کار و تأمین اجتماعی و بیمه‌های بیکاری، افزایش شدت استثمار، فراهم کردن و تأمین کارگر ارزان قیمت برای سرمایه‌داری ایران، بدون برخورداری از بیمه‌های اجتماعی، بازنشستگی و بیمه بیکاری، بی هیچ امنیت شغلی و خلاصه، تهیه بردگانی مطیع برای سرمایه‌داران است. از سوی دیگر بیانگر عمق، شدت و حدت بحران این ساختار است. به عبارت دیگر با همه آنچه که خوان یغمای فراهم شده از سوی رژیم برای آنان چه در بودجه ۱۳۸۶ تحت سیاست‌های پولی و مالی، سیاست خصوصی‌سازی (خودمانی‌سازی) و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، و چه واگذاری وام‌های کم بهره، اعطای تسهیلات بلاعوض و پرداخت یارانه‌های دیگر که در اختیار سرمایه‌داران قرار می‌گیرد، آنان را راضی نمی‌کند و از دامنه شدت و حدت بحران نمی‌کاهد، بحرانی که رکود مزمن از عوارض بارز آن است.

تشکلهای کارگری مستقل ومبارزه برای افزایش حداقل دستمزد

تشکل های کارگری مانند سندیکای شرکت واحد، هیات موسسان سندیکاهای کارگری، کمیته هماهنگی و کمیته پیگیری اتحاد کمیته‌های کارگری، نسبت به میزان و نحوه تعیین حداقل دستمزد و سیاست‌های ناظر بر آن اعتراض و انتقاد کرده‌اند. سندیکای کارگران شرکت واحد طی انتشار بیانیه‌ای در تاریخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۸۵ با شعار «زندگی شایسته حق مسلم ماست!» ضمن اعتراض به حداقل دستمزد سال ۱۳۸۶ اعلام کرد:

۱- طبق ماده ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد کارگران باید هزینه زندگی یک خانوار کارگری شامل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش و دیگر نیازهای ضروری یک زندگی عادی را تأمین کند.

۲- بنا بر اعلام مقامات رسمی مربوطه، خط فقر برای سال ۱۳۸۴ ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان اعلام شده است، بنابراین عموم کارگران و دیگر دستمزد بگیران در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

۳- بنا به گفته مقامات اقتصادی، شکاف طبقاتی در ایران در حال گسترش و افزایش است. کارگران و دیگر دستمزد بگیران بیشترین سهم منفی را از این شرایط باید تحمل نمایند.

۴- بنا بر اخبار اقتصادی منتشره در رسانه‌ها، در سال ۱۳۸۶ تورم و گرانی بازم افزایش خواهد یافت و مجدداً دستمزد بگیران، به ویژه کارگران، باید بار زندگی سخت‌تری را به دوش بکشند.

۵- ادعای وزیر کار و دیگر مسئولان مبنی بر این که در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت ساز عمومی کارگری که تعیین حداقل دستمزد از مهم‌ترین آن‌ها

است، نماینده کارگران حضور داشته و به همراه نمایندگان کارفرمایان و دولت اصل سه جانبه‌گرایی رعایت گردیده است. به دلیل عدم رعایت استانداردهای حقوق کارگری و مغایرت کامل قانون شوراهای اسلامی کار با حق آزادی انتخاب نمایندگان واقعی کارگران و مغایرت فاحش این قانون با مقوله نامه ۸۷ سازمان بین‌المللی کار و اصل ۲۶ قانون اساسی به هیچوجه حقیقت نداشته و ادعای رعایت سه جانبه‌گرایی کاملاً خلاف واقع است.»

ضرورت مبارزه برای افزایش دستمزد و پرداخت بموقع آن

تعرض مستقیم به مزد و حقوق کارگران و عدم پرداخت مزد واقعی و معوق گذاشتن و نپرداختن حقوق کارگران یکی از عرصه‌های اصلی تهاجم به زندگی و سطح معیشت آنان بوده است. این امر تا کنون از یک سو با ترفندهای جنگ، سازندگی، اعمال سیاست‌های نئولیبرالی و تعدیل اقتصادی، بازسازی و نوسازی ساختار صنایع و ... صورت گرفته است. از سوی دیگر با لغو و محدود کردن دایره شمول قانون کار، حذف اشتغال دایم و به کارگیری قراردادهای موقت و پیمانکاری در کارهایی که خصلت دائمی دارند، تحدید دامنه برخورداری کارگران از بیمه‌های تأمین اجتماعی، بیکاری و بازنشستگی گسترش یافته است.

مبارزه برای افزایش دستمزد در شرایطی که حداقل دستمزد چند برابر زیر خط فقر تعیین شده و هیچ گونه تناسبی با تورم و گرانی سرسام‌آور موجود ندارد، و علیرغم آن که افزایش مختصر و ناچیز دستمزدها و حقوق و مستمری بازنشستگان بلافاصله با امواج جدید گرانی بلعیده می‌شود و اثرات خانمان بر انداز تورم بر مزد و حقوق بگیران و اقشار متوسط جامعه همچنان گسترش می‌یابد و شکاف‌های اقتصادی عمیق می‌شوند، ضرورتی بسیار پراهمیت و انکارناپذیر است. این مبارزه نه تنها برای ادامه حیات است بلکه کارگران را آموزش می‌دهد و سازماندهی، متشکل و آماده عقب راندن سرمایه‌داران و دولت حامی آنان می‌کند.

آن چه بدان اشاره رفت، علاوه بر آن که اهداف و سیاست‌های ضد کارگری «دولت امام زمان» و وزارت کار و امور اجتماعی و سرمایه‌داران را به وضوح برای تأمین امنیت سرمایه و منافع سرمایه‌داران، لغو امنیت شغلی کارگران و فراهم آوردن کارگر ارزان و بدون برخورداری از کمترین حقوق و بیمه‌های تأمین اجتماعی، بیکاری و بازنشستگی و انتقال هرچه بیشتر بار بحران این نظام بر دوش کارگران نشان می‌دهد. اما مهم‌تر از آن، بیانگر آن است که این سیاست‌ها هیچگاه به خودی خود متوقف نخواهد شد. تجربه ۲۸ سال گذشته نشان می‌دهد که این تعرضات به گونه‌ای دم‌افزون گسترش یافته‌اند. امروز تحقق خواست کارگران نیازمند جنبش سازمان یافته، آگاهانه و سراسری کارگران ایران است. متوقف کردن سیاست‌های ضدکارگری و تعرضات سرمایه‌داران و دولت جمهوری اسلامی نیازمند چنین جنبشی است که مبارزه برای افزایش دستمزد و پرداخت به موقع حقوق کارگران یکی از عرصه‌های آن است. به یقین این مهم بدون ایجاد و گسترش تشکل‌های مستقل کارگران دست یافتنی نخواهد بود. اردیبهشت ۱۳۸۶ □